

## فرا ترکیب مقالات پژوهشی در مورد عوامل مؤثر بر شکل گیری حاشیه نشینی و پیامدهای آن در بازه زمانی (۱۳۹۸-۱۳۸۸)

مهران سهرابزاده<sup>۱</sup>، زهره رضوانی<sup>۲</sup>

### چکیده

حاشیه نشینی عبارت است از فضایی منطقه‌ای کالبدی که از ابعاد چندگانه‌ای در سطح پایین-تری از متوسط جامعه منطقه‌ای شهر قرار دارد. حاشیه نشینی به دلیل اینکه باعث عدم تعادل فضایی توزیع جمعیت می‌شود، مشکلات متعددی را برای کشور به وجود آورده است. با توجه به نقش و اهمیت حاشیه نشینی و تأثیر آن در سطوح مختلف جامعه، در پژوهش حاضر به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر حاشیه نشینی هستیم. لذا در تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سؤالات اساسی هستیم که، چه عوامل بر حاشیه نشینی اثر می‌گذارد؟ و پیامدهای حاصل از حاشیه نشینی چیست؟ به منظور پاسخگویی به سؤالات مطرح شده و همچنین به منظور طراحی الگوی عوامل مؤثر بر حاشیه نشینی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۸۸، از رویکرد فرا ترکیب استفاده شده که از انواع مختلف روش‌های کیفی تحقیق است و در آن از یکپارچه‌سازی مطالعات گوناگون برای ایجاد یافته‌های جامع استفاده شده است. در تحقیق حاضر به منظور طراحی الگو عوامل مؤثر بر حاشیه نشینی در ایران از روش هفت مرحله‌ای باروسو و ساندلوسکی استفاده شده است و از ۱۰۰ مقاله ارزیابی شده تعداد ۲۰ مقاله برای بررسی نهایی تایید شده است. نتایج این تحقیق نشان داده است که عوامل تأثیرگذار به صورت کلی به دو گروه عوامل ساختاری و عوامل غیرساختاری تقسیم می‌شوند، و از پیامدها و آسیب‌های آن نیز می‌توان به

sohrabzadeh@kashanu.ac.ir

ms.rezvan72@gmail.com

<sup>۱</sup> - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان (نویسنده مسؤل)

آسیب فرهنگی اجتماعی، آسیب فیزیکی و کالبدی، آسیب اقتصادی، آسیب بهداشتی و زیست محیطی، آسیب سیاسی و آسیب روانی اشاره کرد.

**واژه‌های کلیدی:** حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، آلودگی ناشینی، عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی، فراترکیب

### مقدمه و بیان مسئله

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که امروزه بسیاری از شهرهای جهان با آن مواجه هستند. در کنار سه شیوه رایج زندگی یعنی شهرنشینی، روستا نشینی و زندگی ایلاتی و عشایری، نوعی شیوه زندگی متفاوت وجود دارد که ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود و بافت فیزیکی معینی دارد. این شیوه زندگی حاشیه‌نشینی نامیده می‌شود. در شهرها، حاشیه‌نشین کسی است که در شهر ساکن است ولی به علل مختلف نتوانسته جذب نظام اقتصادی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند (قادری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳).

رابرت. ای. پارک<sup>۱</sup> (۱۹۳۷) برای نخستین بار از اصطلاح حاشیه‌نشینی<sup>۲</sup> در مقاله خود با عنوان مهاجرت بشر و انسان حاشیه‌نشین استفاده کرد. پارک بیان می‌کند که حاشیه‌نشین فردی است که از لحاظ فرهنگی انسانی دو رگه است که صمیمانه در زندگی فرهنگی دو جمعیت متمایز زندگی می‌کند و با هر دو آن‌ها شریک است، مایل نیست از گذشته خود بگوید و هنوز همه ابعاد جامعه میزبان را نپذیرفته است (پارک، ۱۹۳۷: ۸۸۱). تاریخچه حاشیه‌نشینی در جهان به نوعی به انقلاب صنعتی و به تبع آن به رشد شهرها گره خورده است. حاشیه‌نشینی چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، مستقیماً متأثر از نحوه صنعتی شدن شهرها بوده است، شروع این پدیده در ایران تقریباً به دهه ۴۹ و خصوصاً پس از اصلاحات ارضی باز می‌گردد، که سبب شد مهاجرت روستا-شهری افزایش یابد (علیزاده اقدم و محمدامینی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

---

1. Park, Robert .E  
2. Marginalization

بنابر اعلام مرکز اسکان بشر سازمان ملل (هیبیتات) در سال ۱۹۹۶ یک پنجم جمعیت جهان فاقد خانه‌ای در شأن زندگی انسانی بوده‌اند که دامنه‌ی گسترده‌ای از بی‌سرپناهان، خیابان‌خواب‌ها و آلودکنشین‌ها را در بر می‌گرفت. این آمار بعد از ادامه دو دهه‌ی دیگر رشد سریع شهرنشینی و تمایلات شهرگرایی به حدود ۸۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد حاشیه‌نشین رسیده است.

تقریباً یک چهارم جمعیت شهری دنیا در زاغه‌ها زندگی می‌کنند و این رقم به سرعت در حال افزایش است. بنا بر اعلام سازمان «گزارش شهرهای دنیا» در سال ۲۰۱۶، تعداد زاغه‌نشینان کشورهای در حال توسعه از ۶۸۹ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۸۸۰ میلیون نفر در سال ۲۰۱۴ رسیده است. بنا بر آمارهای سازمان ملل، دفتر اسکان غیر رسمی، ۲۴ درصد از کل جمعیت شهری کشورهای جهان سوم در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی زندگی می‌کنند. سازمان ملل متحد، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی را به عنوان چالش اصلی هزاره سوم معرفی نموده است. جمعیت ۹۳۳ میلیون حال حاضر مقیم در سکونتگاه‌های غیررسمی، به دو میلیارد نفر در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید (اسپیک و تپیل، ۲۰۱۶: ۱۷۸).

حاشیه‌نشینی شهری، پدیده‌ای جهانی است، از لحاظ تاریخی با شروع انقلاب صنعتی در کشورهای اروپایی در قرن نوزدهم، که با فقر روستاها همراه بود، در ایران نیز تجربه‌ی رشد شتابان شهرنشینی و شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در نیم قرن اخیر قابل توجه بوده است. بر همین مبنا، جمعیت شهری کشور از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید و به دنبال آن جمعیت روستانشین کشور از ۶۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافت (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۸).

مرکز آمار ایران با انتشار نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵، آمار رسمی از تعداد خانوارهای ساکن در زاغه‌ها را اعلام کرد. آمارهای منتشر شده نشان می‌دهد در سال ۹۵ معادل ۱۰۰ هزار و ۷۱۴ خانوار در چادر، کپر، آلودک، زاغه یا موارد مشابه زندگی می‌کردند که این میزان برابر با ۰/۴ درصد از کل خانوارهای ساکن در کشور است؛ براساس سرشماری سال ۹۵ تعداد خانوارهای کل کشور ۲۴ میلیون و

۱۶۹ هزار و ۵۲۵ خانوار بوده است. همچنین آمارها نشان می‌دهد ۴۸۲ هزار و ۹۱۳ خانوار نیز در سایر سکونتگاه‌های غیر از واحدهای مسکونی آپارتمانی، غیرآپارتمانی، چادر، کپر، آلونک، زاغه یا موارد مشابه سکونت دارند که این میزان نیز معادل ۹/۱ درصد از خانوارهای کل کشور است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). علاوه بر تحقیقات داخلی که در پژوهش حاضر به آن‌ها اشاره شده است، تحقیقات بسیاری نیز در سایر کشورها در رابطه با موضوع پژوهش انجام گرفته که از آن جمله می‌توان به، گردام جوهانسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، ویلسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، کاساردا<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، کلیفورد شا<sup>۴</sup> (۲۰۱۲)، مارکوس هولدو و بنگتسون<sup>۵</sup> (۲۰۱۹)، که به بررسی مسائل مربوط به حاشیه‌نشینی چون بررسی سلامت و بهداشت، جوانان مهاجر و عوامل خطر در زندگی، پیامدهای اقتصادی، فرهنگی، فردی و ... نابسامانی اجتماعی و پریشانی ساکنان، جرائم شهری این مناطق، اشاره کرد.

شهر دارای یک آستانه جمعیتی است و هدف آن برآوردن نیازهای آن جمعیت است. رشد جمعیت در برخی کشورهای توسعه یافته نظم نسبی یافته است، ولی این امر در کشورهای در حال توسعه به علت مهاجرت‌های بی رویه چندان سازماندهی نشده است. شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در ایران با وجود ویژگی‌های منحصر به فرد خود و تفاوت‌هایی که با سایر کشورهای در حال توسعه دارد ریشه در عوامل گوناگون دارد، نتیجه آن مهاجرت‌های عظیم روستاییان به شهرها و افزایش شدید جمعیت روستایی در چند شهر بزرگ بوده است که منجر به بروز اشکال آلونک‌نشین در برخی از این شهرها شده است (زنگی آبادی و مبارکی، ۱۳۹۱: ۶۸)، هم‌اکنون شاهد گسترش مناطق حاشیه‌نشین در شهرهای بزرگ کشور هستیم که برای حل این مشکل باید به ریشه‌یابی آن پرداخت، و با بررسی علل و چگونگی شکل‌گیری آن، راهکار مناسبی برای ریشه‌کن کردن این مسأله ارائه نمود. در حال حاضر پدیده حاشیه‌نشینی در شهرها به صورت یک مسأله

- 
1. Gerdtham U johannesson
  2. Wilson
  3. Kasarda & Lindsay
  4. Shaw, Clifford R., McKay, Henry D
  5. Markus Holdo & Bo Bengtsson

اجتماعی حاد جلوه‌گر شده است؛ زیرا این پدیده، منشأ بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. در نتیجه شکل‌گیری این پدیده مسائل متعددی را با خود به همراه دارد که فقط محدود به مناطق حاشیه‌نشین نمی‌شود و حتی کل یک شهر را متأثر می‌سازد، به طوری که پیامد آن بروز انواع ناهنجاری‌ها در زمینه شهرنشینی است. اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل غیر رسمی و کاذب، وجود ساخت و سازهای غیر مجاز، عدم توانایی شهرداری‌ها برای ارائه‌ی خدمات مناسب در این مناطق، آلودگی محیط زیست، اثرات نامطلوب فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این مناطق بر کل سیستم شهری، افزایش جرم و انحرافات در این مناطق همه و همه از جمله آثار مخرب و مضر حاشیه‌نشینی، چه بر روی ساکنان آن مناطق و چه بر روی دیگر افراد ساکن در شهرهای بزرگ می‌باشند (رضایی و کمانداری، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

در واقع عوامل گوناگونی بر مسئله حاشیه‌نشینی اثر می‌گذارند، که پیامدهای مختلف را نیز در جامعه به دنبال دارند، مسئله پژوهش حاضر این امر است که با توجه به آمارهای جهانی حاشیه‌نشینی، هم‌چنین روند گسترش آن در کشور، به این دلیل که با گسترش حاشیه‌نشینی، میزان آسیب‌های اجتماعی شهری به ویژه در نواحی حاشیه‌ای شهرها افزایش می‌یابد و تشدید این آسیب‌ها با هر دلیل و علتی، راه را برای وقوع بحران‌های شهری هموار می‌کند. اهمیت یافتن موضوع در سال‌های اخیر موجب شکل گرفتن برنامه‌ریزی‌های پژوهشی گوناگون و افزایش توجه محققان داخلی به این موضوع اجتماعی شده است. در تحقیق حاضر به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی با توجه به پژوهش‌های انجام شده و پیامدهای آن با روش فراترکیب هستیم و سؤال اصلی تحقیق حاضر، این است که چه عواملی بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی اثرگذار هستند؟ و پیامدها و آسیب‌های این مسئله چیست؟

### تعریف مفاهیم

#### حاشیه‌نشینی

در فرهنگ شهر و شهرنشینی، حاشیه‌نشینی را تا حدودی مترادف با مفاهیمی همچون، زاغه‌نشینی، آلونک‌نشینی، اسکان غیررسمی، حلبی‌آباد و مناطق فقیرنشین به کار می‌برند.

حاشیه‌نشینی در حقیقت مفهومی بسیار کلی است که ابعاد مختلف و مصادیق متفاوتی را در متون علوم اجتماعی و انسانی در بر می‌گیرد. حاشیه‌نشینی عبارت است از فضایی منطقه‌ای کالبدی که از ابعاد چندگانه‌ای در سطح پایین‌تری از متوسط جامعه منطقه‌ای شهر قرار دارد. حاشیه‌نشینی به معنای اعم، شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهری ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند (زرقانی و بدخشان، ۱۳۹۷: ۳). در تعریفی دیگر حاشیه‌نشینی سکونت‌گاه‌های غیر رسمی به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که در داخل یا پیرامون شهرهای اصلی قرار دارند و فاقد امکانات و خدمات بوده و از این رو جاذبه طبقه کم درآمد هستند (شاه حسینی، ۱۳۹۲: ۶).

### علل ساختاری و کلان

به صورت کلی یک علت شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در سطح کلان است که در آن بین شهر و روستا (مرکز و پیرامون)، ساز و کار تبعیض آمیز و فقرزا بر پایه توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات در جریان است که باعث عدم تعادل‌های منطقه‌ای و محلی می‌گردد. بطوری که توجه به فضای برگزیده شهرهای بزرگ و محلات ثروتمندان در برابر سایر نواحی زیست‌فعالیت باعث حرکت جمعیت مهاجر به سوی شهرها و نواحی برگزیده می‌شود. مهاجران برای یافتن کار و سرپناه به سوی شهرهای بزرگ سرازیر می‌شوند و تقاضای ناگهانی برای اسکان خود در نواحی محدودی به وجود می‌آورند. این تقاضا باعث افزایش قیمت مسکن، کاهش ذخیره مسکن نارسایی خدمات شهری و اشباع شبکه‌های زیربنایی می‌شود. در چنین شرایطی مهاجران کم درآمد توان استفاده از بازار رسمی زمین و مسکن را نداشته و با اصرار بر لزوم استقرار در همان شهر، محلات حاشیه شهر را در بازار غیر رسمی زمین و مسکن تهیه و بصورت غیرقانونی و با عدم رعایت اصول اولیه شهرسازی اقدام به ساخت مساکن غیر استاندارد و عمدتاً نامطلوب می‌کنند از طرفی جاذبه‌های اغواکننده شهری و پیش روی جهان به سوی شهری شدن از جمله دیگر عوامل مهاجرت به شهرهای بزرگ می‌باشند (پناهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶).

علل ساختاری می‌تواند انواعی مثل، ۱- رشد جمعیت، ۲- فقدان توان تملک مسکن، ۳- سیاست‌های نامناسب مدیریت اراضی، ۴- گسترش فقر شهری، ۵- حاشیه رانده شدن

کشاورزی، ۵- تبعیض و اختلاف طبقاتی، ۵- مدیریت ناصحیح شهری، ۶- مهاجرت، ۷- برنامه ریزی نامناسب اجتماعی، ۶- جنگ، ۷- عوامل طبیعی، ۸- بیکاری، را شامل شود.

### علل غیر ساختاری و خرد

عوامل غیر ساختاری به این دلیل اهمیت دارند که بیان‌گر کم توجهی و ضعف برنامه‌های بخش دولتی در برخورد صحیح و کارآمد به اسکان و اشتغال اقشار کم درآمد جامعه می‌باشد. گرچه حل ریشه‌ای حاشیه‌نشینی نیاز به تغییرات ساختاری و برنامه‌ریزی‌های درازمدت دارد، در سطح خرد می‌توان با تدبیر و خرد جمعی با هزینه‌های کمتر حداقل از شکل‌گیری حاشیه‌نشینی بدون برنامه‌ریزی جلوگیری کرد (پناهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷).

علل غیر ساختاری می‌توانند مواردی مثل، ۱- عدم توجه به سرمایه‌گذاری مسکن باتوان مالی، ۲- عدم جذب در مناطق متعارف شهری، ۳- عدم برنامه اجتماعی همراه برنامه فیزیکی، ۴- عدم شرایط آموزش مشاغل، ۵- فقدان برنامه مناسب توسعه اقتصادی، ۶- فقدان تشکل خودجوش، ۷- درآمد کم، ۸- فقدان سیاست اجتماعی در مناطق، ۹- عدم کنترل ساخت و ساز را شامل شود (نصراصفهانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴-۵).

### مبانی نظری

به صورت کلی می‌توان گفت مطالعه در رابطه با حاشیه‌نشینی به دو رویکرد متمرکز و غیرمتمرکز تقسیم می‌شود.

#### رویکرد غیرمتمرکز

دیدگاه‌های مهاجرت: راونشتاین ۵ (۱۸۸۰)، نظریه‌ی خود را چنین بیان می‌کند که مجموعه‌ای از قواعد مهاجرتی وجود دارد. این قوانین شامل مجموعه‌ای از قوانین مهاجرت در مورد، مشخصات مهاجران، انگیزه آن‌ها و الگوهای مهاجرت هستند. آسامه (۲۰۱۱) معتقد است افراد بومی شهرها، کم‌تر از آن‌هایی که در قسمت‌های روستایی کشور هستند مهاجرت می‌کنند. از این رو در جریان‌های مهاجرت داخلی خالص، معمولاً مهاجرت از روستا به شهر بیش‌تر است (آسامه، ۲۰۱۱: ۱۷).

**دیدگاه‌های هویت مکان و محله:** پروشانسکی هویت مکان را در ارتباط بسیار نزدیک با هویت فردی و مبتنی بر توانایی ارائه روایتی مشخص و پایدار از احساس خود می‌داند. شکل‌گیری هویت محله، فرآیندی ادراکی و شناختی مبنی بر قیاس و انطباق دائم میان عینیت و ذهنیت با هدف تعریف چیستی و کیستی خود از نقطه نظر پیوستگی‌ها و در واقع دل‌بستگی احساسی به محیط‌های خاصی است (پروشانسکی، ۱۹۷۸: ۱۴۷). ویلسون<sup>۱</sup> بر این باور است در فضای طبیعی رفتار، کنش‌های افراد به واسطه جایی که زندگی می‌کنند، شکل می‌گیرد و خصوصیات محله وضعیت هنجاری را ایجاد می‌کند که زندگی می‌کنند، شکل می‌گیرد و خصوصیات محله وضعیت هنجاری را ایجاد می‌کند که به عنوان رفتار قابل قبول مطرح است (باقری و خانی، ۱۳۹۸: ۲۲۴).

**دیدگاه‌های طرد اجتماعی:** فقر چند بعدی (تاوانسند<sup>۲</sup> ۱۹۷۹)، فرصت‌ها و انتخاب (سن<sup>۳</sup> ۲۰۰۳)، و قدرت (فیشر<sup>۴</sup> ۲۰۰۸) از جمله این نظریات است. چکروارتی<sup>۵</sup>، طرد را در ارتباط با محرومیت از حق مشارکت تعریف می‌کند (چکروارتی<sup>۶</sup> ۲۰۰۹: ۱۳۹)، لوکاس<sup>۶</sup> معتقد است فقر یک مفهوم نسبی و پویاست، نسبی بودن به این موضوع اشاره دارد که افراد برای پی بردن به وضعیت طرد خود دائماً در حال مقایسه خود و دیگران هستند و پویا بودن به معنای احتمال تغییر در آن است (لوکاس<sup>۶</sup> ۲۰۱۲: ۱۰۶)،

برگمن طرد اجتماعی را پیامد از پا افتادن یا کارکرد نادرست نظام‌های اصلی اجتماعی می‌داند که می‌بایست حقوق شهروندی را تضمین کنند که شامل از کار افتادن هریک از نظام‌ها می‌شود در نهایت می‌توان گفت طرد اجتماعی ضمن آن که فقر و محرومیت را به دنبال می‌آورد به عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، عدم حضور در انجمن‌ها، نداشتن رابطه و رضایت از دیگران و احساس تنهایی منجر می‌شود (غفاری و امیدی، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

1. Wilson
2. Townsend, Peter
3. Sen, Amartia
4. Fischer, Andrew. M
5. Chakravarty, S. R
6. Lucas, Karen



## رویکرد متمرکز

**دیدگاه بوم‌شناسی:** برخی از مهمترین نظریه پردازان این رویکرد مکی‌تاش<sup>۱</sup>، کلینارد<sup>۲</sup> اورث<sup>۳</sup> و برگس<sup>۴</sup> هستند. دیدگاه بوم‌شناسی شهری، صحنه شهری را محل تنازع بقا و جای‌گیری مناسب‌تر در بهترین فضای شهری تحلیل می‌کند در این زمینه ارنست برگس و لوئیس ورت معتقدند علت شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین تمرکز گروه‌های فقیر در نواحی فاقد خدمات کافی است در نظریه کاربری اراضی شهری<sup>۵</sup> شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می‌گیرد، نتیجه رقابت گروه‌های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر است. در این صورت با زندگان این رقابت به ظهور پدیده‌هایی نظیر زاغه‌نشینی، حاشیه‌نشینی، حلبی‌آباد و... دامن می‌زنند (کلینارد، ۱۹۶۶: ۱۸).

**دیدگاه لیبرال<sup>۶</sup>:** در دیدگاه لیبرالی پدیده حاشیه‌نشینی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده و به دنبال راه کارهای بهینه‌سازی شرایط زندگی در مناطق حاشیه‌نشین هستند و با اعطای زمین به اشکال مختلف، دادن وام و کنترل دولتی زمین، موضوع را خاتمه یافته تلقی می‌نمایند (حیدری نوشهر، ۱۳۹۰: ۳۴).

لوئیس<sup>۷</sup> مشروعیت محکمی برای رهاسازی طرح‌ها و برنامه‌های کمک به فقرای شهری و حاشیه‌نشینان فراهم آورد و در نقطه مقابل به خانه‌سازی و پیشرفت شرایط زندگی طبقه متوسط کمک شایانی کرد لوئیس بر این باور بود که این خرده فرهنگ به صورت یک روش زندگی در میان فقرا از نسلی به نسل منتقل می‌شود و خروج از آن تقریباً برایشان غیرممکن است (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۹۹). مهمترین دستاورد دیدگاه لیبرالی پذیرش اسکان غیررسمی به عنوان واقعیت شهری در دنیای معاصر به ویژه جهان سوم و شهرنشینی شتابان و ناهمگون آن است (احمدی پور، ۱۳۷۳: ۳۴).

- 
1. Macintosh
  2. Clinard
  3. Wirth
  4. Burgess
  5. Urban landuse
  6. Liberalism
  7. Lewis

**دیدگاه رادیکال<sup>۱</sup>:** دیدگاه رادیکال شقوق و مباحث مختلفی را در بر می‌گیرد و خود شامل چند دیدگاه است. از جمله: اقتصاد سیاسی فضا، دیدگاه مارکسیستی و نئومارکسیست ها. از نمایندگان شاخص مکتب رادیکال می‌توان به دیوید هاروی<sup>۲</sup> و مانوئل کاستلز<sup>۳</sup> اشاره کرد که معتقدند محیط‌های شهری نمایان‌گر تجلیات نمادین و فضایی نیروهای اجتماعی کلی ترند و شکل فیزیکی شهرها هم محصول نیروی بازار و قدرت دولت است. کاستلز از روشن فکران اسپانیایی مارکسیست است و این تأثیر را همواره در آثار خود حتی تا امروز حفظ کرده است او نیز مانند اکثر دانشمندان آمریکای لاتین، حاشیه‌نشینی شهری را مولود نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون و انتقال فقر روستایی به فقر شهری می‌داند به نظر او، جنبش‌های اجتماعی شهری در دوره مدرن با سه موضوع اساسی شکل می‌گیرند: تقاضا برای مصرف جمعی، دفاع از هویت فرهنگی و بسیج سیاسی با تأکید بر نقش حکومت محلی (باقری و خانی، ۱۳۹۸: ۲۲۴-۲۲۹).

دیدگاه شهرسازی، حاشیه‌نشینی نوعی اسکان غیر رسمی و شیوه‌ای از سکونت موقت تلقی می‌شود که در خارج از محدوده‌های شهری در زمین‌هایی که برای توسعه شهری پیش بینی نشده اند، شکل می‌گیرد با ساخت و ساز غیر قانونی و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی همراه است. از دیدگاه توانمندسازی، راهبرد توانمندسازی مناسب‌ترین راه حل در ساماندهی حاشی نشینی است. این راهبرد بر بهبودی شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که محل زندگی خود را با توجه به نیازهایشان بهبود بخشند (قادری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵).

بر اساس دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، در فرایند شهرنشینی شتابان و ناهمگون به موازات رشد نامتعادل اقتصادی، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد و عدم تعادل‌های ساختاری در جامعه شتاب می‌گیرد. در این دیدگاه به علل پیدایش مناطق حاشیه‌نشین توجه شده و کوشش می‌گردد تا ریشه‌ی مسأله شناسایی شود (حیدری نوشهر، ۱۳۹۰: ۳۴).

- 
1. Radicalism
  2. David Harvey
  3. Manuel Castells

## روش تحقیق و یافته‌ها

روش پژوهش این مطالعه کیفی و نوعی از متامطالعه به نام فرا ترکیب است. استفاده از این روش برای شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی به این شکل است، از یکپارچه سازی مطالعات گوناگون برای ایجاد یافته‌های جامع استفاده می‌شود. از روش فرا ترکیب به عنوان روشی مناسب برای به دست آوردن ترکیب جامعی از موضوع تحقیق استفاده شده است. همانطور که بیان شد، فرا ترکیب نوعی مطالعه ثانویه است، به این معنا که عصاره‌هایی از تفسیرهای پژوهش‌های مشابه نیست، بلکه یکپارچه سازی تفسیر یافته‌های اصلی مطالعه‌های منتخب به منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری است. کانالانو (۲۰۱۳) مطرح می‌سازد که فرا ترکیب فرایند جستجو، ارزیابی، ترکیب و تفسیر تحقیقات کمی یا کیفی در یک حوزه خاص می‌باشد. لی (۲۰۱۰) رویکرد فرا ترکیب را یک روش تحقیق اکتشافی برای ایجاد و استخراج یک چارچوب مرجع مشترک برای نتایج تحقیقات می‌داند. این چالش در رابطه با تحقیقات کیفی مطرح است که اغلب به صورت ایزوله انجام می‌گیرند و هیچ ارتباطی با تحقیقات عملی که در گذشته صورت گرفته ندارد و به ندرت در دانش عملی آن حوزه خاص دانش افزایی دارد. روش فرا ترکیب روش تقریباً جدیدی در حوزه تحقیقات کیفی می‌باشد که می‌تواند پاسخ‌دهی با این چالش‌ها باشد. این روش تحقیقات کیفی مجزا را با یکدیگر در یک سطحی انتزاعی با فرایند ترجمه و ترکیب گردآوری می‌کند (زیمر، ۲۰۰۶: ۳۱۵).

در قیاس با فرا تحلیل، فرا ترکیب برای یکپارچه کردن مطالعات چندگانه به منظور ایجاد یافته‌های تفسیری و جامع مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع فرا تحلیل مطالعات کمی را به میانگین‌ها تقلیل می‌دهد. در حالی که فرا ترکیب یافته‌های کیفی را از طریق ارزیابی مطالعات و ایجاد یک کل جامع و تفسیری غنی می‌سازد. برای اولین بار استرن و هاریس (۱۹۸۵) واژه "فرا ترکیب کیفی" را به بازنگری جامع مطالعات کیفی در حوزه سلامت و پزشکی اطلاق کردند. آن‌ها این مفهوم را در مقابل "فرا تحلیل"، در مطالعات کیفی مطرح کردند. هدف این روش توسعه تئوری تبیینی و یا مدلی که یافته‌های گروهی از مطالعات مشابه را تشریح می‌کند. این هدف یکی از تفاوت‌های کلیدی بین این روش

و فرا تحلیل را برجسته می‌سازد. در فرا تحلیل هدف افزایش قطعیت و اطمینان در نتایج علت و معلولی در یک حوزه خاص است، درحالی که فراترکیب بیشتر هرمونیتیکی است و به دنبال درک و تشریح یک پدیده است (والش و دان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۷۴۰).

باروسو و ساندلوسکی<sup>۲</sup> برای فراترکیب روشی هفت گامی را معرفی می‌کنند. در تحقیق حاضر به منظور بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی در ایران از روش هفت مرحله‌ای باروسو و ساندلوسکی استفاده شده است. از آنجا که طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی چند بعدی و گسترده است، فراترکیب به‌عنوان روشی مناسب برای به دست آوردن تلفیق جامعی از مدل‌های ارائه شده در این حوزه، بر پایه تفسیر و ترجمه آن‌هاست. بنابراین، فراترکیب تصویر بزرگ‌تری را از پدیده مورد مطالعه ارائه می‌دهد و تعمیم‌پذیری بیشتری را در مطالعات مبتنی بر مدرک فراهم می‌سازد (آگارد و هال، ۲۰۰۸: ۲۷). واحد تحلیل تحقیق حاضر، تحقیقات علمی پژوهشی چاپ شده، همایش‌ها و کنفرانس‌های معتبر در ژورنال‌های مختلف طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۸۹ است. هفت مرحله اتخاذ شده:

### مرحله اول - طرح سؤال‌های تحقیق

در مرحله اول تمرکز بر «چه چیزی» است. این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی می‌پردازد. در این مرحله باید به سوال‌های ذیل جواب داده شود:

- ۱) چه کسی: ناظر به تبیین جامعه مدنظر است. در این پژوهش ژورنال‌ها و مجلات مختلف علمی، پایگاه‌ها و سایت‌های مختلف مد نظر قرار گرفته شده است.
- ۲) محدوده زمانی مدنظر: تحقیقات انجام شده در این پژوهش در بازه زمانی یک دهه اخیر (۱۳۸۹-۱۳۹۸) صورت گرفته است.
- ۳) روش تحقیق: تحلیل نوع روش مقالات در جریان فراترکیب و مقالاتی که مورد تأیید قرار می‌گیرند، است.

### مرحله دوم - تحلیل نظام‌مند منابع

1. Walsh & Downe
2. Sandelowski and Barroso

در این مرحله، به جست و جوی نظاممند مقالات در مجلات مختلف، پرداخته با در نظر گرفتن کلیدواژه‌های مدنظر در مقالات و پژوهش‌های مختلف در یک دهه اخیر تعداد ۱۰۰ مقاله استخراج شد.

واژگان کلیدی:

### مرحله سه - تبیین مقالات مورد تایید

در این مرحله، محقق در هر بازبینی تعدادی از مقالات را حذف می‌کند، که این مقاله‌ها در فرا ترکیب حذف شده و مراحل پایانی دیگر ارزیابی نمی‌شوند.

ملاک‌های انتخاب مقالات طبق جدول ذیل شناسایی شده اند: ۱- محل چاپ مقاله: مقالات پذیرش در پایگاه‌های مرجع، مجلات علمی و پژوهشی. ۲- موضوع مورد نظر: طراحی الگو عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی در ایران. ۳- حیطه کلی تحقیق: تحقیقات انجام شده در داخل کشور ایران. ۴- روش تحقیق: فرا ترکیب. ۵- محدوده زمانی تحقیق: پژوهش‌های یک دهه اخیر ۱۳۹۸-۱۳۸۹. ۶- زبان مورد استفاده شده: فارسی

بر مبنای برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی به بررسی کیفیت مقالات بر اساس ۱۰ معیار ذیل پرداخته شد (هر معیار حداکثر ۵ امتیاز): بر اساس مقیاس ۵۰ امتیازی کسپ<sup>۱</sup> روبریک، سیستم امتیازبندی زیر را طرح کردیم و هر مقاله‌ای را که پایین‌تر از امتیاز خوب (پایین‌تر از ۳۵) بود حذف کردیم. - عالی: ۵۰ - ۴۱ - خیلی خوب: ۴۰ - ۳۱ - خوب: ۳۰ - ۲۱ - متوسط: ۲۰ - ۱۱ - ضعیف: ۱۰ - ۰<sup>۶</sup>

مبنای امتیازدهی ده عامل اساسی بوده است که شامل، اهداف تحقیق؛ منطق روش؛ طرح تحقیق؛ روش نمونه‌برداری؛ جمع‌آوری داده‌ها؛ انعکاس‌پذیری شامل رابطه بین محقق و شرکت کنندگان می‌باشد؛ ملاحظات اخلاقی؛ دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ بیان واضح و روشن یافته‌ها؛ و ارزش پژوهش. در این مرحله به هر کدام از این سؤالات یک

- 
1. CASP
  2. E
  3. VG
  4. G
  - 5-F
  6. P

امتیاز کمی داده، و سپس یک فرم ایجاد کرده، سپس امتیازاتی را که به هر مقاله داده جمع کردیم. نتایج نهایی ۲۰مقاله نهایی به شرح ذیل است:

جدول ۱. امتیازات داده‌شده به ۲۰ مقاله منتخب

مقاله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
نمره نهایی	۴۰	۳۷	۴۲	۳۶	۳۶	۴۳	۳۵	۳۸	۳۵	۳۶
مقاله	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
نمره نهایی	۴۵	۳۸	۴۰	۴۰	۴۸	۴۹	۴۰	۳۷	۴۶	۴۷

در این مرحله از ۱۰۰مقاله ارزیابی شده تعداد ۴۸ مقاله بر اساس معیارهایی حذف گردید، ملاک ارزیابی در این بخش انتخاب مقاله‌هایی بود که، از نظر عنوان، بیشترین ارتباط را با عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی داشته و چکیده متناسب با چارچوب مقالات را داشته‌اند. و ۵۲ مقاله باقیمانده بر اساس ده معیار اهداف تحقیق؛ منطق روش؛ طرح تحقیق؛ روش نمونه‌برداری؛ جمع‌آوری داده‌ها؛ انعکاس‌پذیری، شامل رابطه بین محقق و شرکت کنندگان؛ ملاحظات اخلاقی؛ دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ بیان واضح و روشن یافته‌ها از لحاظ کیفیت، مورد بررسی نهایی قرار گرفت و در نهایت ۲۰مقاله برای بررسی نهایی تایید شد. با توجه به نتایج حاصل شده حداکثر امتیاز داده شده به مقالات ۴۸ و حداقل امتیاز داده‌شده ۳۵ بوده است.

جدول ۲. نتایج گزینش مقالات نهایی

تعداد کل مقالات و منابع اولیه: ۱۰۰
تعداد مقالات پذیرش نشده بر اساس عنوان تحقیق: ۱۹
تعداد مقالات پذیرش نشده بر اساس چکیده تحقیق: ۱۴
تعداد مقالات پذیرش نشده بر اساس محتوای کلی تحقیق: ۱۵
تعداد مقالات پذیرش نشده بر اساس کیفیت تحقیق: ۳۲
تعداد مقالات پذیرفته شده نهایی: ۲۰

#### مرحله چهارم: تبیین و استخراج نتایج

پژوهشگر در سراسر فراترکیب، به صورت پیوسته مقالات انتخاب شده را، برای

دستیابی به یافته‌های درون محتوایی مجزایی که در آن‌ها مطالعه‌های اصلی و اولیه انجام می‌شوند، چندبار مرور می‌کند. در مرحله تبیین و استخراج نتایج، اطلاعات پژوهش‌ها دسته‌بندی کردیم. به صورتی که در ستون اول سرفصل‌های مشخص شده عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی که در هر مقاله به آن‌ها اشاره کرده است تشریح می‌گردد. در ستون دوم منابع مربوط به آن سرفصل نام برده می‌شود. در جدول زیر نتایج حاصل شده تشریح گردیده است. که برای خبرگان بیان و نهایی شده است.

### جدول ۳. سرفصل‌های مشخص شده جهت طراحی نظام عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی

ردیف	سرفصل‌های مشخص شده	مآخذ	فراوانی
۱	بیکاری موجب افزایش حاشیه‌نشینی - می‌شود.	زنگی آبادی، و مبارکی (۱۳۹۳)، جفایی (۱۳۹۲)، اسماعیلی و بیگدلی راد (۱۳۹۶)، مبارکی و اکبری (۱۳۹۳)، غلامی، سفینی کفشگری، و شهبازی (۱۳۹۲)، نظریان، سادین، زال نژاد، استقامتی و ولیانی (۱۳۹۵)، بزی، کیانی و صفرزائی، (۱۳۹۵)، قادری، امیدوارفر، صمدی، و بدلی (۱۳۹۷)	۸
۲	درآمد کم موجب افزایش شکل‌گیری حاشیه‌نشینی می‌شود	الهی شیروان (۱۳۹۶)، زنگی آبادی، و مبارکی (۱۳۹۳)، پناهی، فرج زاده و نظری (۱۳۹۲)، جفایی (۱۳۹۲)، اسماعیلی، بیگدلی راد (۱۳۹۶)، قادری، امیدوارفر، صمدی و بدلی (۱۳۹۷)، مبارکی و اکبری (۱۳۹۳)، غلامی، سفینی کفشگری، و شهبازی (۱۳۹۲)، بزی، کیانی و صفرزائی، (۱۳۹۵)، نظریان، سادین، زال نژاد، استقامتی و ولیانی، (۱۳۹۵).	۱۰
۳	رشد شهرنشینی از عوامل شکل‌گیری زاغه‌نشینی است.	بهمنی، همتی، ملتفت و ایزدی جبران (۱۳۹۸)، نصر اصفهانی، صفاری و غفاریان (۱۳۹۵)، سرور، فلاح پور و جمالی (۱۳۹۴)،	۳
۴	ارزان بودن زمین و پایین بودن اجاره در مناطق حاشیه‌ای باعث شکل‌گیری این مناطق می‌شود.	زنگی آبادی، و مبارکی (۱۳۹۳)، نصر اصفهانی، صفاری، الهی شیروان (۱۳۹۶)، غلامی سفینی کفشگری، و شهبازی (۱۳۹۲)،	۴

	صفاری و غفاریان (۱۳۹۵)،		
۱۶	<p>بهمنی، همتی، ملتفت و ایندزی جیران(۱۳۹۸)،                  جفایی (۱۳۹۲)، باقری و خانی(۱۳۹۸)،                  نقدی(۱۳۸۹)، حیدری نوشهر(۱۳۹۰)، رضایی                  و کمانداری(۱۳۹۳)، مبارکی و اکبری(۱۳۹۳)،                  غلامی، سفینی کفشگری، و شهبازی(۱۳۹۲)،                  بزی، کیانی و صفرزائی، (۱۳۹۵)، زنگی آبادی،                  و مبارکی (۱۳۹۳)، پناهی، فرج زاده و                  نظری(۱۳۹۲)، اسماعیلی، بیگدلی راد                  (۱۳۹۶)، سرور، فلاح پور و جمالی (۱۳۹۴)،                  الهی شیروان(۱۳۹۶)، نصراصفهانی، صفاری،                  و غفاریان(۱۳۹۵)، قادری، امیدوارفر، صمدی،                  و بدلی (۱۳۹۷)</p>	رفتن روستاییان به شهرهای بزرگ برای دستیابی به جاذبه های موجود یکی از عوامل شکل گیری حاشیه‌نشینی است.	۵
۹	<p>علیزاده اقدم و محمدمینی(۱۳۹۱)،حیدری                  نوشهر(۱۳۹۰)، رضایی و کمانداری(۱۳۹۳)،                  مبارکی و اکبری(۱۳۹۳)، غلامی، سفینی                  کفشگری، و شهبازی(۱۳۹۲)، زنگی آبادی، و                  مبارکی (۱۳۹۳)، باقری و خانی(۱۳۹۸)،                  اسماعیلی، بیگدلی راد (۱۳۹۶)، سرور، فلاح                  پور و جمالی (۱۳۹۴)،</p>	دفاعه‌های فرهنگی و اجتماعی باعث رفتن از محل سکونت به شهرهای بزرگ و افزایش زاغه‌نشینی می شود.	۶
۱	نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان(۱۳۹۵)	فقدان توان تملک مسکن یکی از عوامل بوجود آمدن زاغه‌نشینی است.	۷
۳	<p>پناهی، فرج زاده و نظری(۱۳۹۲)، نصراصفهانی،                  صفاری، و غفاریان(۱۳۹۵)، الهی                  شیروان(۱۳۹۶)،</p>	سیاست های نامناسب در رابطه با مدیریت زمین باعث افزایش حاشیه‌نشینی می شود.	۸
۴	<p>نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان(۱۳۹۵)،                  سرور، فلاح پور و جمالی (۱۳۹۴)،                  نقدی،(۱۳۸۹)، رضایی و کمانداری(۱۳۹۳)</p>	گسترش فقر شهری باعث گسترش حاشیه‌نشینی می شود.	۹



فرا ترکیب مقالات پژوهشی در مورد عوامل مؤثر بر شکل گیری حاشیه نشینی... / ۱۷

۲	بزی، کیانی و صفرزائی، (۱۳۹۵)، نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان(۱۳۹۵)،	عوامل طبیعی(زلزله، سیل، خشکسالی و ... ) موجب مهاجرت افراد به شهرها و گسترش حاشیه نشینی می شود.	۱۰
۲	سرور، فلاح پور و جمالی(۱۳۹۴)، نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان(۱۳۹۵)،	عامل جنگ گاهی باعث هجرت افراد به سمت سایر شهرها و گسترش حاشیه نشینی می شود.	۱۱
۲	پناهی، فرج زاده و نظری(۱۳۹۲)، نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان(۱۳۹۵).	توزیع ناعادلانه ثروت و قدرت در جوامع باعث افزایش حاشیه نشینی در شهرها می شود.	۱۲
۱	نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان(۱۳۹۵)،	عدم تعادل اقتصادی از عوامل گسترش حاشیه نشینی است.	۱۳
۱	نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان(۱۳۹۵)،	عدم فرهنگ سازی در شهرها برای جذب افراد مهاجر در بافت های متعارف شهری	۱۴
۴	الهی شیروان(۱۳۹۶)، پناهی، فرج زاده و نظری(۱۳۹۲)، نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان(۱۳۹۵)، قادری، امیدوارفر، صمدی، و بدلی(۱۳۹۷)	مدیریت ناکارآمد شهری باعث افزایش زاغه نشینی می شود.	۱۵
۱	الهی شیروان(۱۳۹۶)	فقدان منطقه بندی کاربردی زمین باعث گسترش حاشیه نشینی می شود.	۱۶
۳	پناهی، فرج زاده و نظری(۱۳۹۲)، نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان(۱۳۹۵)، سرور، فلاح پور و جمالی(۱۳۹۴)،	عدم هماهنگی برنامه ریزی اجتماعی با برنامه فیزیکی و شهرسازی باعث حاشیه نشینی می شود.	۱۷
۱	قادری، امیدوارفر، صمدی، و بدلی(۱۳۹۷)	نابرابری های طبقاتی باعث شکل گیری حاشیه نشینی می شود.	۱۸
۱	حیدری نوشهر (۱۳۹۰)	کمبود فضا و تولید نامناسب فضاشهری و عمومی باعث گسترش حاشیه نشینی می شود.	۱۹
۲	حیدری نوشهر (۱۳۹۰)، غلامی، سفینی کفشگری، و شهبازی(۱۳۹۲)،	تعداد فرزندان و سطح سواد در شکل گیری حاشیه نشینی تأثیرگذار است.	۲۰

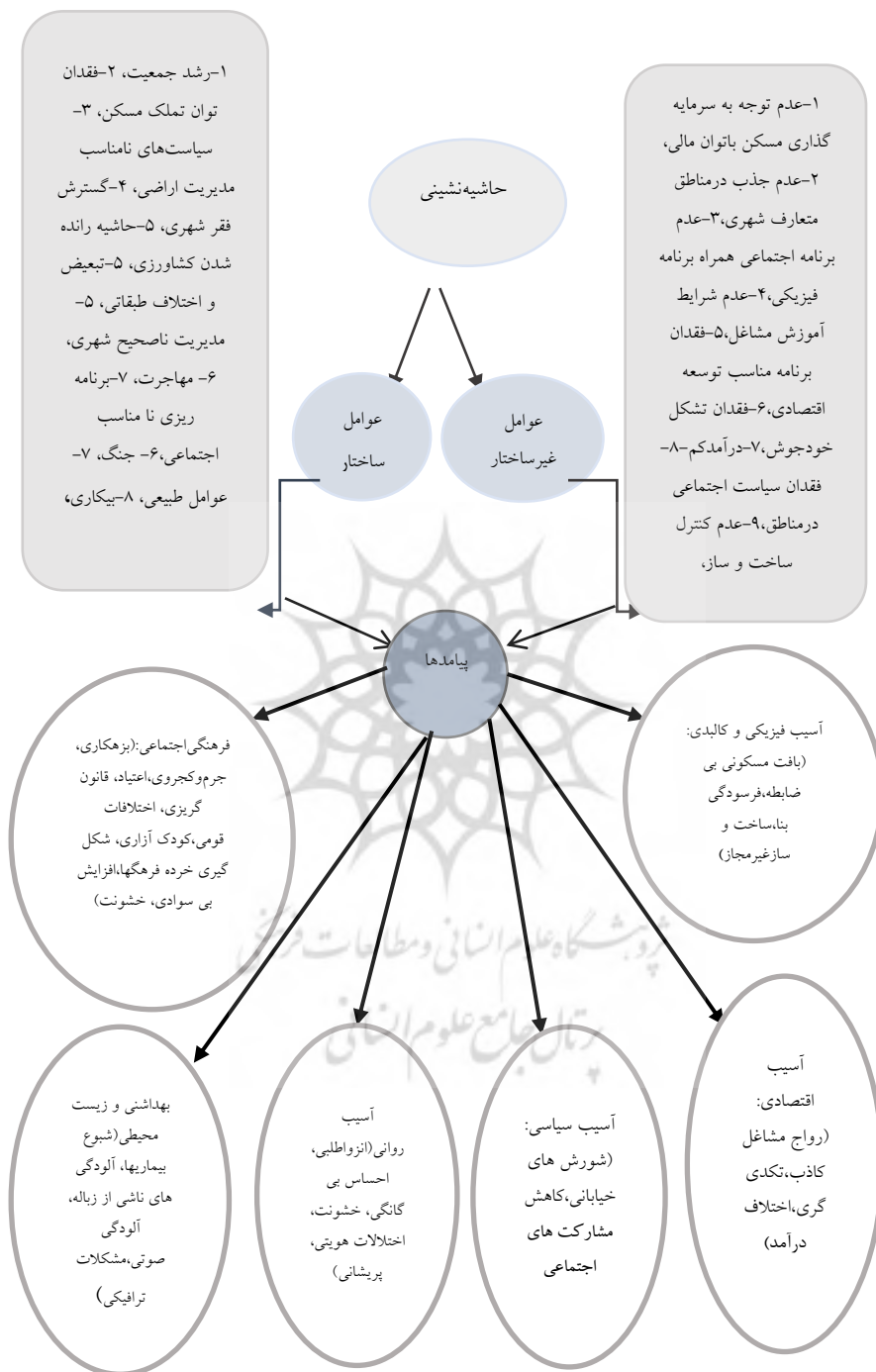
۲	سرور، فلاح پور و جمالی (۱۳۹۴)، نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان (۱۳۹۵)	عدم برنامه ریزی برای آموزش‌های فنی حرفه ای برای افزایش مشاغل باعث رشد حاشیه‌نشینی می شود.	۲۱
۱	نصراصفهانی، صفاری، و غفاریان (۱۳۹۵)	عدم برنامه مناسب توانمندی افراد برای خوداتکایی اقتصادی موجب افزایش حاشیه‌نشینی می شود.	۲۲
۱	پناهی، فرج زاده و نظری (۱۳۹۲).	به حاشیه رانده شدن کشاورزی در روستاها موجب افزایش حاشیه‌نشینی کلان شهرها می شود.	۲۳
۲	سرور، فلاح پور و جمالی (۱۳۹۴)، قادری، امیدوارفر، صمدی، و بدلی (۱۳۹۷)	فقدان سازوکار مناسب مناسب جهت توانمندی و مشارکت افراد موجب افزایش حاشیه‌نشینی می شود	۲۴
۱	سرور، فلاح پور و جمالی (۱۳۹۴).	عدم توجه به سرمایه داران مسکن ارزان در حاشیه موجب گسترش زاغه‌نشینی می شود.	۲۵
۳	بزی، کیانی و صفرزائی، (۱۳۹۵)، سرور، فلاح پور و جمالی (۱۳۹۴)، الهی شیروان (۱۳۹۶)	فقدان سیاست اجتماعی مناسب برای مناطق محروم سبب افزایش حاشیه‌نشینی می شود.	۲۶
۲	و جفایی (۱۳۹۲)، نصراصفهانی، صفاری، غفاریان (۱۳۹۵)	نظارت نا مناسب برای برای کنترل ساخت و ساز موجب شکل گیری حاشیه‌نشینی می شود.	۲۷
۲	علیزاده اقدم و محمدا مینی، (۱۳۹۱)، سرور، فلاح پور و جمالی (۱۳۹۴)	فقدان نهاد مردمی برای تجهیز فقرا موجب شکل گیری حاشیه‌نشینی می شود.	۲۸
۲	پناهی، فرج زاده و نظری (۱۳۹۲)، قادری، امیدوارفر، صمدی، و بدلی (۱۳۹۷)	عدم توجه شهرسازی برای اسکان و اشتغال مهاجران سبب گسترش و رشد حاشیه‌نشینی می شود.	۲۹
۱	نقدی، (۱۳۸۹)	مکانیزه شدن کشاورزی و تغیر الگو کشاورزی موجب گسترش حاشیه‌نشینی می شود.	۳۰

## مرحله پنجم:

به منظور تجزیه و تحلیل مطالعات انجام شده در رابطه با موضوع تحقیق از کدگذاری استفاده شده است. هدف فرا ترکیب ایجاد تفسیر یکپارچه و جدیدی از یافته‌ها می‌باشد. این روش برای شفاف‌سازی مفاهیم، الگوها و نتایج در پالایش حالت‌های موجود دانش و ظهور مدل‌های عملیاتی و تئوری‌ها پذیرفته شده است (فینگلد، ۲۰۰۳: ۸۹۶). کدگذاری باز قصد دارد تا داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم درآورد. سپس این کدها را براساس پدیده‌های کشف‌شده در داده‌ها که مستقیماً به پرسش تحقیق مربوط می‌شوند، دسته‌بندی کنیم (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۳۳-۳۲۸). در پژوهش حاضر ابتدا مفاهیم خلق و سپس مقولات و روابط آن‌ها براساس متن و سوالات تحقیق بیان شده است. با توجه به ارتباط مفاهیم با هم مقولات شکل گرفته‌اند. نتایج این فرآیند برای شناسایی و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن در جدول ۴ ارائه شده است. مطابق جدول عوامل سطح کلان عوامل ساختاری نام‌گذاری شده است، زیرا در سطح ساختاری بین شهر و روستا (مرکز و پیرامون)، سازکار تبعیض آمیز بر اساس توزیع ناعادلانه امکانات باعث عدم تعادل می‌گردد، و اتخاذ سیاست‌های نامناسب در سطح کلان سبب شکل‌گیری نابرابری بین مناطق مختلف می‌شود، هم‌چنین عوامل طبیعی در این دستخ تقسیم بندی شده است. در سطح میانی و خرد که علل غیر ساختاری نام‌گذاری شده است، به این دلیل اهمیت دارند که، بیانگر کم توجهی و ضعف برنامه‌های بخش دولتی در برخورد صحیح و کارآمد به اسکان و اشتغال اقشار کم درآمد جامعه است.

جدول ۴: دسته‌بندی مؤلفه‌های عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن

پیامدها	مؤلفه‌های مربوط به هر عامل	عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی
<p>۱- آسیب فرهنگی - اجتماعی: (بزهکاری، جرم - وکجروی، اعتیاد، قانون‌گریزی، اختلافات قومی، کودک‌آزاری، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ - ها، افزایش بی‌سوادی، خشونت)</p> <p>۲- آسیب فیزیکی و کالبدی: (بافت مسکونی بی‌ضابطه، فرسودگی بنا، ساخت و ساز غیرمجاز)</p> <p>۳- آسیب اقتصادی: (رواج مشاغل کاذب، تکدی‌گری، اختلاف درآمد)</p>	<p>۱- رشد جمعیت، ۲- فقدان توان تملک مسکن، ۳- سیاست‌های نامناسب مدیریت اراضی، ۴- گسترش فقر شهری، ۵- حاشیه‌رانده شدن کشاورزی، ۵- تبعیض و اختلاف طبقاتی، ۵- مدیریت ناصحیح شهری، ۶- مهاجرت، ۷- برنامه‌ریزی نامناسب اجتماعی، ۶- جنگ، ۷- عوامل طبیعی، ۸- بیکاری،</p>	<p>علل ساختاری</p>
<p>۴- آسیب بهداشتی و زیست محیطی (شروع بیماریها، آلودگی های ناشی از زباله، آلودگی صوتی، مشکلات ترافیکی)</p> <p>۵- آسیب سیاسی: (شورش های خیابانی، کاهش مشارکت های اجتماعی)</p> <p>۶- آسیب روانی (انزوایلی، احساس بی‌گانگی، خشونت، اختلافات هویتی، پریشانی)</p>	<p>۱- عدم توجه به سرمایه‌گذاری مسکن باتوان مالی، ۲- عدم جذب در مناطق متعارف شهری، ۳- عدم برنامه اجتماعی همراه برنامه فیزیکی، ۴- عدم شرایط آموزش مشاغل، ۵- فقدان برنامه مناسب توسعه اقتصادی، ۶- فقدان تشکل خودجوش، ۷- درآمد کم - ۸- فقدان سیاست اجتماعی در مناطق، ۹- عدم کنترل ساخت و ساز،</p>	<p>علل غیر ساختاری</p>



### مرحله ششم: تعیین کیفیت نتایج

برای اینکه نتایج به دست آمده جهت ارزیابی کنترل شوند با یک خبره مشورت کرده و به بررسی نظرات و نتایج به دست آمده پرداخته‌ایم، و برای ارزیابی نتایج به دست آمده از شاخص کاپا استفاده کرده‌ایم.

### مرحله هفتم: اعلام نتایج

در مرحله هفتم فراترکیب نتایج بدست آمده از مراحل قبل ارائه می‌گردد که خلاصه‌ای از گروه‌بندی‌ها و کدها در جدول ۴ ارائه شده است.

### بحث و نتیجه گیری

برای دستیابی به هدف تحقیق که بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و پیامدهای این مسئله می‌باشد، از روشی کیفی و رویکرد فراترکیب استفاده شده است. در ادامه نتایج تجزیه و تحلیل مطالعات انجام شده در ارتباط با موضوع تحقیق توضیح داده می‌شود.

یکی از مسائل مهم شهرنشینی در جهان حاشیه‌نشینی است. به نظر می‌رسد این مسئله اجتماعی در کشورهایی که هنوز به توسعه یافتگی کامل نرسیده‌اند هرروزه در حال گسترش است. می‌توان گفت این موضوع در کشورهای جهان به اشکال گوناگونی نمود پیدا کرده است. از ویژگی مشترک این مناطق می‌توان به این امر اشاره کرد که، معمولاً افراد مهاجر با درآمد کم و فقیری هستند که این فقر را به مناطق شهری آورده و با پس زده شدن از محیط شهر به صورت تدریجی در سکونتگاه‌های نامتعارف و حاشیه کشیده شده‌اند. عوامل گوناگونی در شکل‌گیری این پدیده نقش دارند، از جمله این عوامل که در تحقیق حاضر مورد ارزیابی قرار گرفته است. عوامل ساختاری (رشد جمعیت، فقدان توان تملک مسکن، سیاست‌های نامناسب مدیریت اراضی، گسترش فقر شهری، حاشیه رانده شدن کشاورزی، تبعیض و اختلاف طبقاتی، مدیریت ناصحیح شهری، مهاجرت، برنامه ریزی نامناسب اجتماعی، جنگ، عوامل طبیعی، بیکاری) است. برای مثال، وجود

جاذبه‌های شهر مثل، شغل بهتر، درآمد بیشتر، امکانات رفاهی و آموزشی و ... و دافعه‌های محل سکونت اولیه و یا عواملی مثل حاشیه رانده شدن کشاورزی باعث افزایش انگیزه افراد برای مهاجرت به شهرهای بزرگ شده، اغلب افراد به دلیل بیکاری برای کسب درآمد بالاتر به منطق دیگر رفته و البته می‌توان عواملی چون خشکسالی در برخی مناطق و یا بروز جنگ را نیز به آن اضافه کرد. این عوامل از دلایل بسیار مهم ساختاری افزایش پدیده حاشیه‌نشینی می‌باشند، یکی از علل اساسی دیگر بین دو منطقه شهر و روستا تعادل از جهت امکانات و ثروت وجود ندارد و این عدم تعادل که امری ناعادلانه است موجب می‌شود افراد در این نواحی تقاضای ناگهانی برای اسکان در نواحی محدود شهری داشته باشند و این تقاضا باعث افزایش قیمت مسکن، کاهش ذخیره مسکن، نارسایی خدمات شهری می‌شود. در این شرایط افراد توان استفاده از بازار غیر رسمی زمین و مسکن را ندارند و اصرار بر استقرار در شهرها را دارند و با عدم رعایت اصول شهرسازی اقدام به ساخت مسکن غیر استاندارد می‌کنند. این موضوع یاد آور نظریاتی مثل، مکینتاش، کلینارد، ورث و برگس، در دیدگاه بوم‌شناسی شهری، است که صحنه شهری را محل تنازع بقا و جای‌گیری مناسب‌تر در بهترین فضای شهری تحلیل می‌کنند در این زمینه معتقدند علت شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین تمرکز گروه‌های فقیر در نواحی فاقد خدمات کافی است و مهاجرت به نواحی شهری برای دست‌یابی به شرایط بهتر است. و یا سیاست‌های نامناسب که باعث افزایش فقر و نابرابری می‌شود در این امر نقش به‌سزایی دارد مدیریت ناصحیح شهری، برنامه‌ریزی نامناسب اجتماعی، می‌توان گفت این عوامل به صورت دیالکتیک بر روی یکدیگر تأثیر گذاشته و در نهایت پدیده حاشیه‌نشینی را شکل می‌دهند. که تحقیقات گوناگون نیز گویای این امر بوده از آن جمله می‌توان به بهمنی و همکاران (۱۳۹۸)، نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۵)، جفایی (۱۳۹۲)، زنگی و مبارکی (۱۳۹۳)، اسماعیلی و بیگدلی راد (۱۳۹۶)، اشاره کرد. از طرفی در کنار سطوح کلان و ساختاری قطعا عوامل غیر ساختاری هم نقش دارند در سطح خرد می‌توان با تدبیر و خرد جمعی از شکل‌گیری و گسترش حاشیه‌نشینی جلوگیری کرد. باید تدبیری برای اسکان مهاجرین اندیشید البته

نباید این اصل مهم را از یاد برد که حل ریشه‌ای حاشیه‌نشینی نیاز به برنامه‌ریزی در سطوح ساختاری نیز دارد. عواملی مثل (عدم توجه به سرمایه گذاری مسکن باتوان مالی، عدم جذب در مناطق متعارف شهری، عدم برنامه اجتماعی همراه برنامه فیزیکی، عدم شرایط آموزش مشاغل، فقدان برنامه مناسب توسعه اقتصادی، فقدان تشکل خودجوش، درآمد کم، فقدان سیاست اجتماعی در مناطق، عدم کنترل ساخت و ساز)، هر کدام به طریقی باعث افزایش حاشیه‌نشینی می‌شوند؛ مثلاً برنامه‌ریزان شهری در رابطه با فضای شهری برای اقبال کم درآمد صورت نمی‌گیرد و این افراد به منابع مالی مثل وام‌های مناسب دسترسی ندارند هم‌چنین ساخت و سازهای کنترل نمی‌شود و یا نهادهای مناسب مردمی برای تجهیز فقرا شکل نمی‌گیرد و یا حمایت نمی‌شوند. حال نکته مهم این است که این پدیده‌ها باعث بروز ویژگی‌های خاص مناطق شده و به دنبال خود پیامدهای فراوانی به همراه دارد که جبران برخی از آن‌ها دشوار و غیر ممکن هست، از جمله ای پیامدها می‌توان به (آسیب فرهنگی اجتماعی چون، بزهکاری، جرم و کجروی، اعتیاد، قانون گریزی، اختلافات قومی، کودک آزاری، شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها، افزایش بی سوادی، خشونت؛ آسیب فیزیکی و کالبدی چون، بافت مسکونی بی ضابطه، فرسودگی بنا، ساخت و ساز غیرمجاز؛ آسیب اقتصادی چون، رواج مشاغل کاذب، تکدی گری، اختلاف درآمد؛ آسیب بهداشتی و زیست محیطی چون، شیوع بیماری‌ها، آلودگی‌های ناشی از زباله، آلودگی صوتی، مشکلات ترافیکی؛ آسیب سیاسی چون، شورش‌های خیابانی، کاهش مشارکت‌های اجتماعی؛ آسیب روانی چون، انزوایابی، احساس بیگانگی، خشونت، اختلالات هویتی، پریشانی) اشاره کرد. در این محیط‌ها به دلیل فرو ریختن مبانی فرهنگی مجموعه‌های پیشین و پیدایش محیط‌هایی که فرهنگ معینی ندارند و یا در آن‌ها خرده فرهنگ‌های خاص شکل می‌گیرد، معضلات اجتماعی زیادی به بار می‌آید. مسکن و محل‌های تجمع حاشیه‌نشینان صحنه رفت و آمد نامناسب و بافت زشتی را به فضایی فاقد تسهیلات، تأسیسات و امکانات، آلوده و کثیف، در کنار خانه‌های گران قیمت، لوکس و آپارتمان‌ها، شکل می‌دهد که نشان از فاصله طبقاتی زیاد هم است، البته این آسیب‌ها مخصوصاً در ابعاد اجتماعی و فرهنگی بیشتر گروه جوانان را تهدید می‌کند.



## منابع

- اسماعیلی، علی اکبر و بیگدلی راد، وحید (۱۳۹۶)، « بررسی پیامدهای مهاجرت از روستا به شهر بر حاشیه‌نشینی شهری در شهرستان تاکستان»، کنفرانس ملی معماری و شهرسازی، ۱۳-۱۴، (۱) ۱-۴
- الهی شیروان، مسعود (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل تأثیرگذار در گسترش حاشیه‌نشینی در شهر، سومین کنفرانس ملی شهرسازی معماری عمران و محیط زیست»، شیروان موسسه پایا شهر، <https://www.civilica.com/Paper-pshconf03-011.html>
- احمدی پور، زهرا (۱۳۷۴)، «حاشیه‌نشینی در بخش مرکزی کرج»، رشد جغرافیا، ۳۸ (۱)، ۳۴-۱
- باقری، نسرین و خانی، محمود (۱۳۹۸)، «تأثیر حاشیه‌نشینی بر احساس امنیت عمومی با رویکرد پیشگیری اجتماعی (مورد مطالعه: شهر خرم آباد)»، دانش انتظامی انتظامی لرستان، ۷ (۳)، ۱۷۷-۲۵۸
- بهمنی، سجاد، همتی، رضا، ملتفت، حسین و ایزدی جیران، اصغر (۱۳۹۸)، «فهم فرایند شکل‌گیری تجربه حاشیه‌نشینی بر اساس نظریه داده بنیاد مورد مطالعه: محله‌های ملاحیه و تل برمی خوزستان»، فصلنامه توسعه اجتماعی توسعه انسانی سابق، ۱۴ (۲)، ۱۲۷-۱۵۸
- بزی، خدارحم، کیانی، اکبر و صفرزائی، عبدالغنی (۱۳۹۵)، «بررسی علل شکل‌گیری و راهکار مقابله حاشی نشینی شهر زابل با تأکید بر توان‌مندسازی»، مطالعات شهری، ۲۱ (۱)، ۲۸-۱۷
- پناهی، علی، فرج زاده، میروحید و نظری، مصطفی (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل ساختاری و نهادی مؤثر در پیدایش حاشیه‌نشینی (مورد نمونه: شهر تبریز)، همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان»، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱)، ۱-۱۲
- جفایی، مینا، (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر بجنورد و پیامدهای آن»، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین، دانشگاه بین المللی امام خمینی، [https://www.civilica.com/Paper-UOT01-UOT01\\_202.html](https://www.civilica.com/Paper-UOT01-UOT01_202.html)
- حیدری نوشهر، مه‌ری (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و بازتأسیس آن، با تأکید بر کاربری خدمات شهری»، جغرافیایی سرزمین، ۸ (۳۱)، ۳۱-۴۹

- رضایی، محمدرضا و کمانداری، محسن (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کرمان، نمونه مورد مطالعه محلات سیدی و امام حسن، برنامه‌ریزی فضایی» جغرافیا، ۴(۴)، ۱۷۹-۱۹۶
- زنگی آبادی، علی و مبارکی، امید (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن مطالعه موردی (محلات احمدآباد، کوی بهستی، خلیل آباد)» جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۳(۱)، ۸۰-۶۸
- سرور، هوشنگ، فلاح پور، سجاد و جمالی، ابراهیم (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل موثر بر حاشیه‌نشینی در شهر ارومیه»، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، ترکیه، موسسه سرآمد همایش کارین،  
[https://www.civilica.com/Paper-CONFUCIAN02-CONFUCIAN02\\_175.html](https://www.civilica.com/Paper-CONFUCIAN02-CONFUCIAN02_175.html)
- شاه حسینی، پروانه (۱۳۹۲)، بررسی سیر تحول اسکان غیر رسمی باتأکید بر ایران، تهران، انتشارات سمت
- علیزاده اقدم، محمدباقر و محمدامینی، حمیده (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشینی با نگرش ویژه بر شهر خمین»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱(۲)، ۱۳۸-۱۲۱
- غلامی، روح‌الله، سفینی کفشگری، محسن و شهبازی، نجفعلی (۱۳۹۲)، «عوامل اقتصادی و اجتماعی حاشیه‌نشینی در ایران»، آفاق امنیت، ۵(۲۰)، ۱۶۸، ۱۸۶
- غفاری غلامرضا؛ امیدی، رضا (۱۳۹۰). «گذار از دستگاه مفهومی فقر به سازه رانده شدگی اجتماعی»، توسعه اجتماعی، ۲(۴)، ۶۶-۳۵
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، انسان‌شناسی شهری. چاپ اول، تهران: نشر نی
- فلیک، اووه (۱۳۹۱)، درآمدی بر تحقیقات کیفی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قادری، رضا، امیدوارفر، سجاد، صمدی، رضا، بدلی، سجاد (۱۳۹۷)، «تحلیل تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی در فرایند شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین و راهکارهای رویارویی با این پدیده با تاکید بر توانمندسازی»، پژوهش در هنر-علوم انسانی، ۳(۱)، ۲۲-۱۳
- مبارکی، امید و اکبری، صمد (۱۳۹۳). «بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر ارومیه»، جمعیت، ۱(۸۹)، ۵۲-۳۸

- نظریان، اصغر، سادین، حسین، زال نژاد، کاوه، استقامتی، مهناز و ولیانی، مهدی (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی»، تحلیل

فضایی مخاطرات محیطی، ۳(۳)، ۱۱۰-۱۳۵

- نصر اصفهانی، رضا، صفاری، بابک و غفاریان، سارا (۱۳۹۵)، «بررسی علل اقتصادی حاشیه نشینی با استفاده از اثر درمان (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، اقتصاد شهری، ۱(۱)،

۱-۱۶

- نقدی، اسدالله (۱۳۸۹)، «مهاجرت و حاشیه نشینی در ایران»، علمی ترویجی وزارت علوم،

۷۳-۷۴، ۱۰۴-۸۵

-Aagaard, H., & Hall, E. O. C. (2008). Mothers' experiences of having a preterm infant in the Neonatal Care Unit: A meta-synthesis. Journal of Pediatric Nursing, 23(3), e26-e36

- Asmame Miheretu, Birhan, (2011). Causes and consequences of rural-urban migration: the case of woldiya Town, north ethiopia. Submitted in accordance with the requirements for the degree of master of art in the subjected Geography, University of South Africa

- Beck j. Mthering multiples(2002) A meta-synthesis of the qualitativereserch.MCN. Teh American Juornal of Maternal/child Nursing,; 93

- Chakravarty, S. R., (2009). Inequality, Polarization and Poverty Advances in Distributional Analysis, Economic Studies in Inequality, Social Exclusion and WellBeing Springer Press

- Clinard, Marshal.B, (1966): Slum and Community Development, The free Press, New york.

- Finfgeld D. L. "Meta synthesis: The state of the art—so far". Qualitative Health Research, 2003; 13: 893-904.

- Gerdtham, J., U. (2003). "A note on the effect of unemployment of morality", Journal of Health Economics, 22: 505-518.

- Kasarda, J. D., Lindsay, G., (2011). Aerotropolis: The Way We'll Live Next. Farrar, Straus and Giroux.

- Lucas, Karen, (2012). Transport and social exclusion: Where are we now? Transport Studies Unit, University of Oxford, South Parks Road, Oxford, OX1 3QY, United Kingdom, 37:2, 162-179,

DOI: 10.1080/14036096.2019.1578996

- Proshansky Markus Holdo & Bo Bengtsson(2019). Marginalization and Riots: A Rationalistic Explanation of Urban Unrest. *Theory and Society*, Harold., (1978). *the City and Self-Identity, Environment and Behavior*, 10(2),pp 147-169
- Park, Robert E, 1937, Human migration and marginal man, *American Journal of sociology*. Vol33.
- Shaw, Clifford R., McKay, Henry D., (2012), *The social disorganization theory*. Center for Spatially Integrated Social Science, Retrieved from [www.csiss.org/classics/content/66](http://www.csiss.org/classics/content/66).
- Speak.Z, Tipple. G. (2016) *Perception, Persecution and Pity: the Limitations of interventions for homelessness in developing countries*. *International Journal of Urban and Regional Research*. Oxford. Blackwell Publishing-172-188
- Wilson, A. G., (2010). *The general urban model: Retrospect and prospect*. *Papers Regional Science Association*, 89(1), 27-42.
- Walsh, D. & Downe, S., 2005. *Meta-synthesis method for qualitative research: a literature review*. *Journal of Advanced Nursing*, 50(2), p. 204-11.
- Zimmer L. "Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts". *Journal of Advanced Nursing*, 2006; 53: 311-318